



**نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی
با تطبیق بر جامعه‌شناسی خانواده**

دکتر حسین بستان (نجفی)



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۲

بستان (نجفی)، حسین، ۱۳۴۷ -
نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه‌شناسی خانواده / حسین بستان (نجفی). - قم:
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
ده، ۲۳۲ ص.:: جدول، نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۶۷: علوم اجتماعی؛ ۲۴)
ISBN: 978-600-298-032-8
بها: ۵۸۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۲۱۱]-[۲۱۷]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. خانواده‌ها - جنبه‌های جامعه‌شناختی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۲ ۶ ن ۴۷ ب / HQ ۷۴۳ ۳۰۶ / ۸۵
شماره کتابشناسی ملی
۳۳۹۶۸۳۰



نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه‌شناسی خانواده

مؤلف: دکتر حسین بستان (نجفی)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۲

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۵۸۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰
ص.پ. ۳۱۵ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع مطالعاتی برای پژوهشگران رشته‌های علوم اجتماعی و همچنین دانشجویان این رشته‌ها در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری پیشنهاد می‌شود.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین بستان (نجفی) و نیز از اساتید محترم دکتر سید محمد صادق مهدوی ناظر طرح، آیت‌الله سید محمد غروی و دکتر ابراهیم فیاض مشاوران طرح و حجت‌الاسلام غلامرضا صدیق اورعی، دکتر مسعود گلچین و دکتر سید حسین شرف‌الدین ارزیابان طرح سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
فصل اول: گزارشی از نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده	۵
۱-۱. نظریه یادگیری اجتماعی	۵
۲-۱. نظریه مبادله اجتماعی	۷
۳-۱. نظریه کارکردگرایی	۹
۴-۱. نظریه کنش متقابل نمادین	۱۱
۵-۱. نظریه دوره زندگی خانوادگی	۱۴
۶-۱. نظریه نظام‌های خانوادگی	۱۵
۷-۱. نظریه بوم‌شناختی انسانی	۱۷
۸-۱. نظریه اقتصاد خانواده	۱۹
۹-۱. نظریه سرمایه اجتماعی	۲۲
۱۰-۱. نظریه انتخاب طبیعی	۲۵
۱۱-۱. نظریه فردی شدن	۲۷
۱۲-۱. نظریه ستیز اجتماعی	۲۹
۱۳-۱. نظریه فمینیستی	۳۱
فصل دوم: تحلیل متاتئوریک نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده	۳۵
۱-۲. مبانی معرفت‌شناختی	۳۸
۱-۱-۲. منابع معرفت	۳۸
۲-۱-۲. هدف علم	۴۰
۳-۱-۲. علم و دانش عامه	۴۳
۴-۱-۲. غایت‌شناسی	۴۴

۴۶	۵-۱-۲. رابطه «است» ها و «باید» ها
۴۶	۶-۱-۲. نسبت‌گرایی ارزشی
۴۸	۷-۱-۲. بی‌طرفی یا جانبداری ارزشی
۴۹	۲-۲. مبانی هستی‌شناختی
۴۹	۱-۲-۲. تعریف واقعیت اجتماعی
۵۰	۲-۲-۲. سطوح واقعیت اجتماعی
۵۱	۳-۲-۲. نسبت فرد و جامعه
۵۳	۴-۲-۲. قانون‌مندی هستی
۵۴	۵-۲-۲. علیت
۵۵	۶-۲-۲. چیستی انسان
۵۷	۷-۲-۲. خاستگاه خانواده
۵۸	۸-۲-۲. تفاوت‌های زن و مرد
۵۹	۳-۲. مبانی روش‌شناختی
۵۹	۱-۳-۲. صورت‌بندی نظریه
۶۰	۲-۳-۲. سطح نظریه
۶۱	۳-۳-۲. فردگرایی یا کل‌گرایی
۶۳	۴-۳-۲. پرسش بنیادی
۶۴	۵-۳-۲. ایستایی / پویایی‌شناسی
۶۵	۶-۳-۲. استراتژی نظریه‌سازی
۶۸	۷-۳-۲. مدل‌سازی
۷۰	۸-۳-۲. مفهوم‌سازی
۷۲	۹-۳-۲. فرضیه‌سازی
۷۳	۱۰-۳-۲. اعتبارسنجی نظریه
۷۵	فصل سوم: مبانی متاتئوریک مدل نظری اسلامی خانواده
۷۵	۱-۳. مبانی معرفت‌شناختی
۷۵	۱-۱-۳. منابع معرفت
۷۶	الف) دین
۷۹	ب) عقل
۸۰	ج) تجربه
۸۲	۲-۱-۳. هدف علم
۸۴	۳-۱-۳. علم و دانش عامه
۸۴	۴-۱-۳. غایت‌شناسی
۸۶	۵-۱-۳. رابطه «است» ها و «باید» ها

۸۸	۶-۱-۳. رد نسبیت‌گرایی ارزشی
۸۹	۷-۱-۳. بی‌طرفی یا جانبداری ارزشی
۹۰	۲-۳. مبانی هستی‌شناختی
۹۰	۱-۲-۳. تعریف واقعیت اجتماعی
۹۱	۲-۲-۳. سطوح واقعیت اجتماعی
۹۱	۳-۲-۳. نسبت فرد و جامعه
۹۳	۴-۲-۳. قانون‌مندی هستی
۹۴	۵-۲-۳. علیت
۹۵	۶-۲-۳. چیستی انسان
۹۶	الف) فطرت
۹۸	ب) عقلانیت
۱۰۰	ج) اختیار
۱۰۱	د) آگاهی
۱۰۱	۷-۲-۳. خاستگاه خانواده
۱۰۲	۸-۲-۳. تفاوت‌های زن و مرد
۱۰۵	۳-۳. مبانی روش‌شناختی
۱۰۵	۱-۳-۳. صورت‌بندی نظریه
۱۰۵	۲-۳-۳. سطح نظریه
۱۰۶	۳-۳-۳. فردگرایی / کل‌گرایی
۱۰۸	۴-۳-۳. پرسش بنیادی
۱۰۸	۵-۳-۳. ایستایی / پویایی‌شناسی
۱۰۸	۶-۳-۳. استراتژی نظریه‌سازی
۱۱۱	۷-۳-۳. مدل‌سازی
۱۱۱	۱. بیان واقعیت در قالب استعاره و تمثیل
۱۱۲	۲. ترسیم بازنمود نموداری
۱۱۲	۳. طراحی تیپ ایده‌آل
۱۱۳	۴. ساختن مدل آرمانی هنجاری
۱۱۳	۸-۳-۳. مفهوم‌سازی
۱۱۵	۹-۳-۳. فرضیه‌سازی
۱۱۷	۱۰-۳-۳. اعتبارسنجی نظریه
۱۱۹	فصل چهارم: گزاره‌های متون دینی دربارهٔ ثبات خانواده
۱۲۰	۱-۴. گزاره‌های ناظر به ویژگی‌های فردی همسران
۱۳۶	۲-۴. گزاره‌های ناظر به ساختار خانواده

۱۳۹	۳-۴. گزاره‌های ناظر به پیش‌زمینه تشکیل خانواده
۱۴۴	۴-۴. گزاره‌های ناظر به عوامل اجتماعی
۱۴۸	۵-۴. جمع‌بندی
۱۵۱	فصل پنجم: مدل نظری خانواده باثبات
۱۵۱	۱-۵. صورت‌بندی مدل نظری خانواده باثبات
۱۵۳	۲-۵. تحلیل مدل نظری خانواده باثبات
۱۵۳	۱-۲-۵. تأمین نیازهای فطری همسران
۱۵۳	الف) نیازهای فطری
۱۵۷	ب) مفهوم تأمین نیاز
۱۵۷	ج) تأثیر تأمین نیازها بر ثبات خانواده
۱۵۹	۲-۲-۵. ویژگی‌های فردی همسران
۱۵۹	الف) ویژگی‌های اعتقادی
۱۶۰	ب) ویژگی‌های اخلاقی
۱۶۲	ج) ویژگی‌های دانشی
۱۶۲	د) ویژگی‌های رفتاری
۱۶۲	ه) ویژگی‌های جسمی
۱۶۳	۳-۲-۵. ساختار خانواده
۱۶۳	الف) تمایز جنسیتی نقش‌ها
۱۶۵	ب) تک‌همسری
۱۶۵	ج) حضور زن و شوهر
۱۶۶	د) داشتن فرزند
۱۶۸	۴-۲-۵. پیش‌زمینه‌های تشکیل خانواده
۱۶۸	الف) مراحل رشد همسران
۱۶۹	ب) مرحله همسرگزینی
۱۶۹	۵-۲-۵. عوامل اجتماعی
۱۷۰	الف) آموزش
۱۷۰	ب) تربیت دینی و اخلاقی جامعه
۱۷۱	ج) بسترسازی اجتماعی
۱۷۲	د) بسترسازی قانونی
۱۷۳	ه) حمایت اجتماعی
۱۷۴	و) نظارت اجتماعی
۱۷۵	۳-۵. جمع‌بندی

۱۷۷	فصل ششم: تبیین بی‌ثباتی خانواده در ایران معاصر بر پایه مدل خانواده باثبات
۱۷۹	۱-۶. گزارشی از میزان بی‌ثباتی خانواده در ایران معاصر
۱۸۱	۲-۶. بی‌ثباتی ناشی از تأمین نشدن نیازهای همسران
۱۸۱	۱-۲-۶. مشکلات معیشتی همسران
۱۸۲	الف) تأثیر ویژگی‌های فردی همسران
۱۸۳	ب) تأثیر ویژگی‌های ساختاری خانواده
۱۸۳	ج) تأثیر پیش‌زمینه‌های تشکیل خانواده
۱۸۴	د) تأثیر عوامل اجتماعی
۱۸۶	۲-۲-۶. مشکلات جنسی همسران
۱۸۶	الف) تأثیر ویژگی‌های فردی همسران
۱۸۷	ب) تأثیر ویژگی‌های ساختاری خانواده
۱۸۷	ج) تأثیر پیش‌زمینه‌های تشکیل خانواده
۱۸۸	د) تأثیر عوامل اجتماعی
۱۸۹	۳-۲-۶. مشکلات عاطفی همسران
۱۹۰	الف) تأثیر ویژگی‌های فردی همسران
۱۹۱	ب) تأثیر ویژگی‌های ساختاری خانواده
۱۹۲	ج) تأثیر پیش‌زمینه‌های تشکیل خانواده
۱۹۳	د) تأثیر عوامل اجتماعی
۱۹۴	۴-۲-۶. مشکلات معنوی همسران
۱۹۵	الف) تأثیر ویژگی‌های فردی همسران
۱۹۶	ب) تأثیر ویژگی‌های ساختاری خانواده
۱۹۶	ج) تأثیر پیش‌زمینه‌های تشکیل خانواده
۱۹۷	د) تأثیر عوامل اجتماعی
۱۹۸	۳-۶. بی‌ثباتی ناشی از کاهش وابستگی همسران به خانواده
۱۹۹	۴-۶. مدل نظری بی‌ثباتی خانواده در ایران
۲۰۲	۵-۶. تحلیل انتقادی بی‌ثباتی خانواده
۲۰۵	نتیجه‌گیری
۲۱۱	منابع و مأخذ
۲۱۹	نمایه موضوعات
۲۲۱	نمایه اعلام

پیشگفتار

امروزه «نظریه» جایگاه مهمی در تحقیقات رشته‌های گوناگون از جمله علوم انسانی دارد و این، به دلیل کارکردهای مهم آن به‌ویژه نظم و نسق بخشیدن به داده‌های متنوع و پراکنده، فراهم کردن امکان تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها و رفتارهای انسانی و کمک به اتخاذ روش‌های صحیح‌تر در مقام سیاست‌پردازی و برنامه‌ریزی اجتماعی است.

نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده، هرچند به پیشرفت‌های ارزشمندی در زمینه توضیح چگونگی فرایندها و کنش‌های متقابل خانوادگی دست یافته‌اند، اما با توجه به ضعف مبانی فلسفی و غلبهٔ بینش تجربه‌گرایانه بر محافل علمی غرب که به ناتوانی آنها از ارائهٔ تبیین‌هایی فراگیر و قابل اعتماد در باب علل شکل‌گیری، استمرار و فروپاشی خانواده انجامیده، نمی‌توانند در مطالعات اسلامی خانواده مفروض گرفته شوند. بر این اساس، ضرورت دارد کوشش‌هایی در جهت نظریه‌پردازی در باب خانواده با تکیه بر آموزه‌های متون دینی صورت گیرد که انجام این کار، افزون بر کمک به پیشبرد ادبیات جامعه‌شناسی خانواده، برای هدف کلان‌تر تثبیت اندیشهٔ علوم انسانی اسلامی، اهمیت راهبردی دارد.

در این پژوهش، بر پایهٔ این پیش‌فرض که گزاره‌های توصیفی و تجویزی متون اسلامی از این ظرفیت برخوردارند که الهام‌بخش مدل‌ها و نظریه‌هایی تبیینی در موضوعات مختلف اجتماعی باشند، کوشش شده تا با تکیه بر آموزه‌های دینی و با رویکردی جامعه‌شناختی، مدلی نظری دربارهٔ ثبات خانواده ساخته و پرداخته شود که بتواند از عهدهٔ تبیین بی‌ثباتی نهاد خانواده در دوران معاصر برآید. از آنجا که این مدل نظری اساساً رویکردی تبیینی دارد، امکان پیش‌بینی و سیاست‌گذاری را نیز فراهم می‌کند و افزون بر این، به دلیل ریشه داشتن در مبانی ارزشی دینی، ویژگی‌های هنجاری و انتقادی بودن را نیز دارد.

مدلی که ارائه خواهد شد مدلی تبیینی و مبتنی بر مفروضات پارادایمی نسبتاً جدیدی است که بنا بر یک تلقی موسّع می‌تواند «نظریه» به شمار آید، ولی حتی اگر از اطلاق عنوان «نظریه» بر آن پرهیز داشته باشیم، دست کم ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به نظریه یا استخراج نظریه از آن دارد. از این رو، اشاره‌ای به مفهوم نظریه و معنای مقصود از آن در این نوشتار، لازم به نظر می‌رسد. از نظریه، به طور عام و نظریه علمی، به طور خاص و نظریه با تطبیق بر علوم اجتماعی، به طور اخص، تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است.^۱ آنچه در اینجا از واژه نظریه اراده شده، عبارت است از: مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌های بیانگر ارتباط میان آن مفاهیم که ویژگی‌های ذیل را دارا باشد: انسجام منطقی و خالی از تناقض بودن، حاوی درجه‌ای از انتزاع بودن، ناظر بودن به واقعیت تجربی و آزمون‌پذیری، تبیین (علّی)، امکان پیش‌بینی و قابلیت انتقادی بودن.^۲ قهراً این ویژگی‌ها در مدل نظری اسلامی خانواده لحاظ خواهند شد، یعنی این پژوهش درصدد ارائه مدل نظری منسجم، انتزاعی و آزمون‌پذیری است که در تبیین علّی و پیش‌بینی ثبات یا بی‌ثباتی خانواده کارآمد بوده و امکان نگاه انتقادی به این پدیده را فراهم آورد.

بنابراین، اهداف این پژوهش را در دو محور ذیل می‌توان خلاصه کرد:

۱. دستیابی به مدلی نظری در باب خانواده که برخلاف نظریه‌های رایج و دارای خاستگاه غربی، ویژگی‌هایی همچون اتقان و انسجام منطقی، بومی بودن و انطباق با آموزه‌های اسلامی داشته باشد و بتواند در قانونگذاری‌ها، سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خُرد و کلان اجتماعی، مبنا و مرجع قرار گیرد.

۲. معرفی الگویی برای نظریه‌پردازی دینی یا دست کم، مدل‌سازی دینی به جامعه علمی کشور، به منظور خارج کردن اندیشه علم دینی از حیطه مباحث صرفاً فلسفی و کشاندن آن به حوزه مباحث روشی و روش‌شناسی.

در خصوص پیشینه پژوهش نمی‌توان به طور خاص به متفکری در حوزه علوم اسلامی اشاره کرد که در جهت برساختن نظریه‌ای اجتماعی درباره خانواده به اقدامی جدی دست زده باشد و با جستجو در آثار صاحب‌نظران مسلمان در این زمینه به چیزی بیش از نکات پراکنده، هرچند آموزنده، و اغلب دارای رویکرد هنجاری دست نخواهیم یافت. مرحوم علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری از جمله افرادی هستند که تأملات ارزشمندی در این زمینه در ضمن مباحث

۱. ر.ک: بستان (نجفی)، گامی به سوی علم دینی (۲): روش بهره‌گیری از متون دینی در علوم اجتماعی، ص ۱۲۸.

۲. همان، فصل هفتم.

حقوق زن و برخی مباحث مرتبط داشته‌اند و مقاله مؤلف این نوشتار با عنوان «تیین بی‌ثباتی خانواده با تکیه بر نظریه استاد مطهری»^۱ کوششی در جهت تدوین آرای آن مرحوم، در قالب یک نظریه منسجم بوده است.

شالوده‌روشن‌شناختی این پژوهش، تلفیق دو روش استنباطی و تجربی است؛ زیرا از سویی به دلیل آنکه بر استخراج مفاهیم و گزاره‌های نظری از متون دینی استوار است، از روش استنباطی یا اجتهادی بهره می‌گیرد و از سوی دیگر، با عنایت به اینکه نظریه‌ها و مدل‌های نظری علمی برحسب تعریف، ناظر به واقعیات عینی‌اند و باید به کمک آنها تأیید شوند، مراجعه به این واقعیات به‌طور غیر مستقیم و با استفاده از آمارها و یافته‌های دیگر محققان علوم اجتماعی مورد توجه قرار خواهد گرفت. درواقع، از آنجا که هدف اصلی این پژوهش، همان جنبه مدل‌سازی است، در مرحله آزمون مدل نظری مطرح‌شده در پی تأیید حداکثری آن، که نیازمند اجرای تحقیقات تجربی جدید و گسترده است، نخواهیم بود و فقط به میزانی که ظرفیت تبیین‌کنندگی آن نشان داده شود و با بهره‌گیری از پاره‌ای داده‌های آماری و یافته‌های برخی پژوهش‌های پیشین، به ارزیابی مفروضات و گزاره‌های آن خواهیم پرداخت.

تنظیم مباحث کتاب در قالب شش فصل صورت گرفته است:

در فصل نخست، گزارشی از مهم‌ترین نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده، شامل نظریه‌های یادگیری اجتماعی، مبادله اجتماعی، کارکردگرایی، کنش متقابل نمادین، دوره زندگی خانوادگی، نظام‌های خانوادگی، بوم‌شناختی انسانی، اقتصاد خانواده، سرمایه اجتماعی، انتخاب طبیعی، فردی شدن، ستیز اجتماعی و فمینیستی، ارائه شده است.

در فصل‌های دوم و سوم، بر مبنای چارچوبی متشکل از مبانی متاتئوریک و پارادایمی، به تحلیل نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده و نیز مدل نظری اسلامی خانواده در سطح متاتئوریک پرداخته‌ایم تا از این طریق به فهمی قابل قبول از موارد اشتراک و افتراق آنها در این سطح نائل شویم.

در فصل چهارم، به منظور زمینه‌سازی برای تدوین مدل نظری اسلامی درباره ثبات خانواده، گزاره‌های مرتبط با این موضوع در متون دینی گردآوری و تدوین شده‌اند.

در فصل پنجم، بر پایه مبانی متاتئوریک و با استفاده از گزاره‌های پردازش‌شده در فصل چهارم، به تدوین مدلی نظری و انتزاعی درباره ثبات خانواده پرداخته‌ایم. این فصل دربردارنده

۱. این مقاله در شماره نخست دوفصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، بهار و تابستان ۱۳۸۸، منتشر شده است.

پاسخ جامعی به این پرسش است که از دیدگاه اسلام، خانواده بانیات چگونه و بر پایه کدام عوامل شکل می‌گیرد؟

سرانجام در فصل ششم، به منظور تکمیل فرایند مدل‌سازی، به بیان چگونگی تطبیق این مدل انتزاعی بر واقعیات انضمامی یک جامعه خاص (جامعه ایران معاصر) به منظور نشان دادن ظرفیت‌ها و میزان کارآمدی آن در تبیین ثبات یا بی‌ثباتی خانواده پرداخته‌ایم. در اینجا به حکم ادب، بر خود لازم می‌دانم از استادان بزرگوار، آیت‌الله سیدمحمد غروی، دکتر سیدمحمدصادق مهدوی و دکتر ابراهیم فیاض که با مطالعه دقیق متن اولیه و ارائه رهنمودهای ارزنده، به ارتقای کار کمک کردند؛ ارزیابان محترم اثر، آقایان حجت‌الاسلام غلامرضا صدیق اورعی، دکتر مسعود گلچین و دکتر سیدحسین شرف‌الدین و همچنین از همه مسئولان و کارکنان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که هر یک سهمی در به انجام رسیدن این اثر داشتند، قدردانی و سپاسگزاری کنم. خداوند به همه خدمتگزاران اسلام و مکتب اهل بیت پیامبر(ص) توفیق عنایت فرماید و این کوشش متواضعانه را به لطف و کرم خود پذیرا باشد.

حسین بستان (نجفی)

اسفندماه ۱۳۹۱

فصل اول

گزارشی از نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده

در این فصل، گزارش کوتاهی از مشهورترین نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده، شامل نظریه‌های یادگیری اجتماعی، مبادله اجتماعی، کارکردگرایی، کنش متقابل نمادین، دوره زندگی خانوادگی، نظام‌های خانوادگی، بوم‌شناختی انسانی، اقتصاد خانواده، سرمایه اجتماعی، انتخاب طبیعی، فردی شدن، ستیز اجتماعی و فمینیستی، ارائه خواهد شد.

از بررسی این نظریه‌ها به دست می‌آید که هر یک از آنها تنها به تبیین برخی ابعاد یا مسائل خانواده پرداخته و کانون توجه و تحلیل آنها یکسان نیست. در حالی که دسته‌ای از این نظریه‌ها به تبیین عوامل ثبات یا بی‌ثباتی خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی و دسته‌ای دیگر به تحلیل چگونگی تعامل و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر، یا با عوامل بیرونی می‌پردازند، برخی از آنها بر مسائل خاص‌تری مانند نقش عامل یادگیری در شکل‌گیری رفتار اعضا، یا چرایی و چگونگی بروز نابرابری جنسی در خانواده متمرکز می‌شوند. ولی این تنوع، به هدف این نوشتار آسیبی نمی‌رساند؛ چرا که هدف ما در اینجا ارائه دورنمایی متاتئوریک از نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده است و به محتوای آنها به‌طور مستقل ناظر نیستیم.

۱-۱. نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی^۱ پیشینه‌ای طولانی در تاریخ علم دارد و می‌توان آن را در آثار جان لاک^۲ و حتی متفکران پیش از او ریشه‌یابی کرد. اما تحقیقات تجربی گسترده‌ای که از اوایل قرن بیستم میلادی پیرامون موضوع یادگیری از طریق شرطی‌سازی^۳ به وسیله

1. social learning theory

2. Locke, J.

3. conditioning

رفتارگرایانی همچون پاولوف،^۱ واتسون^۲ و اسکینر^۳ به انجام رسیدند، به بارور شدن این نظریه کمک کردند.^۴

مفروض اساسی رفتارگرایان اولیه این بود که رفتار به وسیله محرک‌های متقدم بر آن به جریان می‌افتد و به وسیله محرک‌های تقویت‌کننده متأخر از آن، شکل گرفته و کنترل می‌شود. آنان با تأکید بر نقش پاداش و تنبیه در تولید رفتارهای تقلیدی، یادگیری اجتماعی را شکلی از شرطی شدن فاعل معرفی می‌کردند. اما صورت‌بندی‌های متأخرتر نظریه یادگیری اجتماعی، از تبیین دقیقاً رفتارگرایانه و مبتنی بر رابطه محرک - پاسخ، فراتر رفته، به بررسی این مسئله پرداخته‌اند که یادگیری از محیط، چگونه فرایندهای انگیزشی، شخصیتی و شناختی را دربر می‌گیرد. افزون‌تر آنکه، این صورت‌بندی‌ها برخلاف دیدگاه‌هایی که صرفاً به ارتباط متقابل اعضای خانواده توجه دارند، بر نقش انسان‌های دیگر به عنوان عاملان تقویت رفتار تأکید کرده‌اند.^۵

برحسب شکل جدیدتر و کامل‌تر این نظریه، یعنی نظریه اجتماعی - شناختی^۶ که از سوی آلبرت باندورا^۷ ساخته و پرداخته شد، افراد، به‌ویژه کودکان، از دو راه عمده، رفتارهای اجتماعی را می‌آموزند: نخست، از راه آموزش مستقیم یا شرطی‌سازی با استفاده از عوامل تقویت‌کننده، یعنی پاداش‌ها و تنبیه‌هایی که دریافت می‌کنند؛ دوم، از راه فرایند تقلید که در نظریه فروید با عنوان همانندسازی مطرح شده بود. در این روش، رفتارها از سوی والدین و دیگر عوامل جامعه‌پذیری (اعضای بزرگ‌تر خانواده، دیگر بزرگسالان، معلمان، گروه همسالان و رسانه‌های جمعی) الگوسازی می‌شوند و کودک از این الگوها تقلید و پیروی می‌کند.^۸

نظریه یادگیری اجتماعی، خشونت، کجروی و جرم را نیز نتیجه یادگیری هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط با این پدیده‌ها می‌داند. براساس این نظریه، کودکان الگوهای رفتاری و شیوه‌های اعمال خشونت خانگی را از والدین می‌آموزند و در آینده از این الگوها و شیوه‌ها پیروی می‌کنند.^۹

1. Pavlov, I.

2. Watson, J. B.

3. Skinner, B. F.

4. Chibucos & Leite, *Readings in Family Theory*, p.95.

5. Braithwaite & Baxter, (eds.), *Engaging Theories in Family Communication*, p.261.

6. social cognitive theory

7. Bandura, A.

8. Dusek, *Adolescent Development and Behavior*, pp.128-130.

9. Siegel, *Criminology*, pp.200, 301.

یکی از زیرشاخه‌های نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه نقش جنسی^۱ است که برحسب آن، جامعه‌پذیری اولیه نقش جنسی به پسران می‌آموزد که شریک مسلط، نان‌آور اصلی و رئیس خانوار باشند و در صورت لزوم، قدرت و کنترل را با استفاده از زور حفظ کنند. در مقابل، زنان به این صورت جامعه‌پذیر می‌شوند که روابط مبتنی بر سلطه مردان را بپذیرند و می‌آموزند که نیازهای دیگران را از طریق نقش‌های اصلی خود، یعنی همسری و مادری برآورده سازند.^۲

۲-۱. نظریه مبادله اجتماعی

نظریه مبادله اجتماعی^۳ که تمثیلی اقتصادی برای روابط اجتماعی ارائه می‌دهد، در سنت‌های فلسفی فایده‌گرایی، رفتارگرایی و اقتصاد نئوکلاسیک ریشه دارد. نخستین کاربردهای این نظریه در مطالعات خانواده از سوی جامعه‌شناسانی مانند تیپوت،^۴ کلی،^۵ هومنز^۶ و بلاو^۷ شکل گرفت. اصل بنیادی این نظریه آن است که انسان‌ها در موقعیت‌های اجتماعی، رفتارهایی را برمی‌گزینند که در نظر آنان بالاترین احتمال را در برآوردن منافع شخصی در آن موقعیت‌ها دربر دارند.^۸

مفروضات اساسی نظریه مبادله اجتماعی از این قرارند:

- هر فردی معمولاً تعدادی از منابع در اختیار دارد که می‌تواند در خلال رفتارهای بین شخصی آنها را مبادله کند.^۹
- عموم افراد عموماً کنشگران و واکنشگران عقلانی‌اند و درگیر محاسبه‌های سود و زیان در مبادلات اجتماعی هستند.
- کسانی که در کنش‌های متقابل درگیر می‌شوند، به گونه‌ای عقلانی درصدد هستند تا منافع یا مزایای قابل حصول از آن موقعیت‌ها، به‌ویژه تأمین نیازهای اولیه فردی، را به بالاترین حد برسانند.
- فرایندهای مبادله که برای افراد، هزینه یا پاداش به بار می‌آورند، به الگودهی به کنش‌های متقابل اجتماعی منجر می‌شوند. این الگوها نه تنها در خدمت نیازهای افراد هستند، بلکه

1. sex-role theory

2. Chibucos & Leite, *Readings in Family Theory*, p.102.

3. social exchange theory

4. Thibaut, J. W.

5. Kelley, H. H.

6. Homans, G. C.

7. Blau, P. M.

8. Ibid, p.137.

9. Braithwaite & Baxter, (eds.), *Engaging Theories in Family Communication*, p.244.

همچنین افراد را در مورد اینکه در نهایت چگونه می‌توانند آن نیازها را برآورده سازند، تحت فشار قرار می‌دهند.^۱

برخی مفاهیم کلیدی نظریه مبادله اجتماعی از این قرارند:

- منابع: منابع، به هر کالای نمادین یا فیزیکی اشاره دارد که بتوان آن را در جهت تأمین یا سرکوب نیازها به کار گرفت یا آنچه اشخاص را به اهدافشان نزدیک‌تر کرده یا از اهدافشان دورتر می‌کند، مانند پول، دانش، اطلاعات، قدرت، محبت، احترام، مقبولیت، موقعیت اجتماعی، جذابیت و...^۲

- پاداش: پاداش، به هر گونه منفعتی اشاره دارد که در روابط شخصی مبادله می‌شود. پاداش‌ها ممکن است واقعی یا نمادین بوده و نیز مخصوص یک فرد یا عام‌تر باشند.^۳ در روابط نزدیک، افراد انواع گوناگون پاداش‌ها را با یکدیگر مبادله می‌کنند: محبت، حمایت عاطفی، ارضای جنسی، دارایی، موقعیت اجتماعی، جذابیت فیزیکی و...^۴

- هزینه: هزینه‌ها عبارت‌اند از مجازات‌ها یا پاداش‌های از دست‌رفته که از مبادلات اجتماعی ناشی می‌شوند. مبادلات اجتماعی دربردارنده سه نوع هزینه بالقوه هستند: ۱. هزینه‌های سرمایه‌گذاری، اشاره دارند به انرژی و سرمایه‌گذاری شخصی‌شناختی یا عاطفی که کنشگر در یک مبادله صرف می‌کند؛ ۲. هزینه‌های مستقیم، شامل زمان، منابع مالی یا دیگر منابع ساختاری هستند که به مبادله اختصاص می‌یابند؛ ۳. هزینه‌های فرصت، بیانگر پاداش‌های احتمالی هستند که در نتیجه مبادله اجتماعی ممکن است از دست بروند.^۵

- ارزش مناسبات جایگزین: افراد پیامدهای مبادلات اجتماعی خود را در مقایسه با دیگر مبادلات ممکن می‌سنجند. زمانی که پیامدهای رابطه موجود در سطحی پایین‌تر از سطح مورد انتظار از پیامدهای مناسبات جایگزین باشد، افراد ممکن است ترک رابطه موجود را برگزینند.^۶ نظریه مبادله اجتماعی با تکیه بر مفروضات و مفاهیم یادشده به تبیین جنبه‌های گوناگون روابط اجتماعی از جمله همسرگزینی و مناسبات همسران می‌پردازد. برای مثال، این نظریه

1. Chibucos & Leite, *Readings in Family Theory*, p.137.

2. Taylor et al., *Social Psychology*, p.276; Braithwaite & Baxter, (eds.), *Engaging Theories in Family Communication*, p.244.

3. Chibucos & Leite, *Readings in Family Theory*, p.138.

۴. بدار و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی، ص ۲۰۳.

5. Chibucos & Leite, *Readings in Family Theory*, pp.138, 139.

6. Ibid, p.139.

توضیح می‌دهد که چرا روابط زناشویی مسئله‌دار همیشه انحلال نمی‌یابند، بلکه ممکن است استمرار پیدا کنند. برحسب این نظریه، ممکن است همسری به دلیل آنکه پاداش‌های دریافتی او بسیار کمتر از هزینه‌هایش هستند، احساس خشنودی اندکی داشته باشد، اما به دلیل آنکه ارزش روابط جایگزین نیز در نظرش پایین است (مثلاً فرصتی برای ازدواج مجدد ندارد)، یا به دلیل آنکه در روابط جاری‌اش سرمایه‌گذاری فراوانی کرده است (مثلاً چندین فرزند را پرورش داده است)، به رابطه زناشویی ادامه دهد.^۱

۳-۱. نظریه کارکردگرایی

مفروض کارکردگرایان آن است که جامعه همچون ارگانیکمی است که می‌کوشد در برابر تغییر مقاومت کند و خودش را در حالت تعادل و توازن نگه دارد. ثبات و نظم، اموری طبیعی و مطلوب و در مقابل، ستیز و بی‌نظمی نشانه کجروی و کژکارکردی محسوب می‌شوند. مفهوم کارکرد نیز به فعالیت‌های ضروری برای حفظ انواع، جامعه یا گروه اجتماعی مانند تولید مثل، تولید اقتصادی، تعلیم و تربیت و... ناظر است.^۲

به‌رغم تنوع فراوان در الگوهای خانواده، نظریه‌پردازان کارکردگرا کوشیده‌اند شماری از کارکردهای نسبتاً مشترک خانواده‌ها را شناسایی کنند. آگبرن^۳ و تیبتس^۴ در سال ۱۹۳۴م، شش کارکرد اساسی را برای خانواده یادآور شدند که عبارت بودند از: تولید مثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، تنظیم رفتار جنسی، عطف و همراهی و تأمین پایگاه اجتماعی.^۵ پارسونز که در دوران پس از جنگ دوم جهانی، نظریه ساختی - کارکردی خود را بسط داد، دو کارکرد اصلی خانواده غربی معاصر را جامعه‌پذیر کردن فرزندان و تثبیت شخصیت بزرگسالان قلمداد کرد.^۶

پارسونز بر پایه این فرض که خانواده گسترده برای سازگار شدن با ضرورت‌های فرایند صنعتی شدن، تن به تغییرات بنیادی داده و جای خود را به خانواده هسته‌ای نومکان مرکب از پدر و مادر و فرزندان‌شان داده است، اظهار می‌دارد که خانواده هسته‌ای مدرن (که او آن را

1. Forsyth, *Our Social World*, p.435.

۲. برناردز، درآمدی به مطالعات خانواده، ص ۷۴.

3. Ogburn, W. F.

4. Tibbitts, C.

5. Schaefer, *Sociology*, p.324.

۶. برناردز، درآمدی به مطالعات خانواده، ص ۷۴ و ۷۵.

مشخصه جوامع صنعتی و پیدایش آن را مقارن با کاهش کارکردهای خانواده سنتی می‌دانست) کارکرد جامعه‌پذیری کودکان و تأمین محیطی برای رشد و تثبیت شخصیت بزرگسالان را همچنان حفظ می‌کند.^۱ در نظر پارسونز، تثبیت شخصیت بزرگسالان به نقشی اشاره دارد که خانواده علی‌الغرض در مواجهه با فشارهای روان‌شناختی زندگی روزمره ایفا می‌کند، فشارهایی که بالقوه می‌توانند شخصیت بزرگسالان را بی‌ثبات کنند. تثبیت شخصیت از حمایت عاطفی متقابلی که زن و شوهر به یکدیگر عرضه می‌کنند و نیز از نقش‌های پدری و مادری حاصل می‌شود. در خلال فرایند تثبیت شخصیت، والدین می‌توانند از راه بازی با فرزندان خود به [دوران] کودکی بازگردند و به این ترتیب، تنش‌ها را رفع کنند.^۲

در مورد تقسیم کار جنسیتی بین زن و شوهر در خانواده هسته‌ای نیز مفروض پارسونز آن است که تخصیص نقش‌های متفاوت به زن و شوهر، دست‌کم تا حدودی جنبه زیست‌شناختی دارد؛ زنان باردار می‌شوند و به فرزندان شیر می‌دهند و این واقعیت، آنان را برای پذیرش نقش‌های مرتبط با مراقبت و پرورش مستعد می‌گرداند، اما مردان به سبب آزاد بودن از محدودیت‌های زیست‌شناختی، در نقش‌هایی تخصص پیدا می‌کنند که آنان را به خارج از منزل می‌کشاند.^۳ با توجه به این پیش‌فرض، وی تحلیل خود را بر سه پیشینه تحقیقی استوار کرده است:

نخست، یافته‌های روان‌کاوانه فروید، که بر رشد روانی - جنسی متفاوت پسر و دختر و شکل‌گیری مردانگی و زنانگی در آنها به عنوان ساختمان‌های روانی، تأکید کرده بود؛ دوم، تحقیقات تجربی بیلز که بنا به ادعای وی نشان می‌دادند گروه‌ها دو گونه نقش رهبری را به بار می‌آورند: از یک طرف، نقش رهبر مسلط که انجام وظایف گروه، به‌ویژه در زمینه سازگاری با شرایط خارجی فیزیکی و اجتماعی را بر عهده دارد و وی آن را نقش ابزاری^۴ نامید و از سوی دیگر، نقش رهبر نیمه‌مسلط که به ایفای وظایف مربوط به نقش‌های ابرازی^۵ می‌پردازد. مفروض پارسونز و بیلز آن بود که نتایج این تحقیقات که روی گروه‌های آزمایشی اجرا شده بودند، بر گروه‌های واقعی مانند خانواده نیز صادق‌اند.^۶ آنها بر این اساس نتیجه گرفتند که زنان در خانواده

1. Knuttila, *Introducing Sociology: A Critical Perspective*, p.266.

2. Harvey & MacDonald, *Doing Sociology*, p.196.

3. Knuttila, *Introducing Sociology: A Critical Perspective*, p.267.

4. instrumental

5. expressive

6. Lee & Newby, *The Problem of Sociology*, pp.288-289.

نقشی ابرازی ایفا می‌کنند: آنان مهربان، جذّاب، بشّاش، احساساتی و مطیع‌اند؛ اما مردان نقشی ابرازی ایفا می‌کنند: آنان رؤسای پرخاشگر، خلاق و اصیل‌اند. مرد نان‌آور است و پایگاه اساسی زن آن است که همسر شوهر خود و مادر فرزندان او باشد.^۱

سوم، داده‌های تحقیقات میان‌فرهنگی بود که برحسب برخی از آنها، در ۴۶ جامعه از ۵۶ جامعه مطالعه شده، تمایز میان نقش‌های خانوادگی ابرازی و ابرازی به شکل مورد انتظار، یعنی به این صورت که قسم اول به زنان و قسم دوم به مردان اختصاص یابد، وجود داشته است.^۲

پارسونز با اتکا به این یافته‌های تحقیقی اظهار عقیده کرد که: تقسیم کار جنسیتی بین زن و شوهر به بهترین شکل، زمینه ایفای کارکردهای اصلی خانواده، یعنی تثبیت شخصیت بزرگسالان و جامعه‌پذیری کودکان را فراهم می‌کند و این امر در ثبات و یکپارچگی خانواده و به تبع آن، در یکپارچگی اجتماعی نقشی اساسی دارد. به نظر وی، تابعیت زنان در جوامع سرمایه‌داری از حیث کارکردی برای حفظ انسجام خانواده و انسجام خانوادگی برای حفظ ساختار طبقاتی ضرورت دارد. حفظ ساختار طبقاتی نیز برای تضمین اینکه ساختار اجتماعی همچنان که بوده است، باقی می‌ماند، ضروری است.^۳ اما اگر زن ازدواج کرده، نقش نان‌آوری را بر عهده بگیرد، خطر رقابت با شوهرش به میان می‌آید و این امر برای وحدت و هماهنگی خانواده بسیار زیان‌آور است.^۴

۴-۱. نظریه کنش متقابل نمادین

نظریه کنش متقابل نمادین^۵ که از کارهای فیلسوفانی همچون ویلیام جیمز^۶ و جان دیویی^۷ و برخی جامعه‌شناسان متقدم، مانند جورج هربرت مید^۸ و چارلز کولی^۹ نشأت گرفته، بر الگوهای تفسیر و معناسازی در زمینه‌های اجتماعی تمرکز دارد. این نظریه حول این محور می‌چرخد که انسان‌ها در مجموعه‌ای از نمادها (نشانه‌ها، زبان و...) که درکی عمومی نسبت به آنها وجود دارد، شریک‌اند و دریافت و تولید معنا، در دل کنش‌های متقابل اجتماعی انسان‌ها قرار دارند.^{۱۰}

1. Harvey & MacDonald, *Doing Sociology*, p.197.

2. Lee & Newby, *The Problem of Sociology*, p.289.

3. Harvey & MacDonald, *Doing Sociology*, p.197.

۴. میشل، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ص ۱۲۲.

5. symbolic interactionism

6. James, W.

7. Dewey, J.

8. Mead, G. H.

9. Cooley, C.

10. Chibucos & Leite, *Readings in Family Theory*, p.237.

برخی مفروضات اساسی نظریه کنش متقابل نمادین از این قرارند:

- انسان‌ها به سبب توانایی‌شان در به‌کارگیری نمادها، از دیگر مخلوقات تمایز می‌یابند.
- انسان‌ها ویژگی متمایز انسانی را از طریق کنش‌های متقابل خود کسب می‌کنند.
- انسان‌ها موجوداتی آگاه و هدفمند هستند که درون موقعیت‌ها و به سوی موقعیت‌ها عمل می‌کنند و به رفتار خودشان شکل می‌دهند.
- انسان‌ها از طریق کنش متقابل اجتماعی، هم‌تصوری از خود و هم‌هویت‌های خویش را توسعه می‌دهند و به این ترتیب، قادر می‌شوند که به‌طور مستقل به ارزیابی و ارزش‌گذاری فعالیت‌های خانوادگی خود بپردازند.^۱
- نوزاد انسان در هنگام تولد، موجودی غیر اجتماعی است و در طول زمان در معرض مجموعه گسترده‌ای از پیام‌های اجتماعی‌کننده قرار می‌گیرد که به معناسازی و فهم اجتماعی کودک کمک می‌کنند. بنابراین، همه رفتارها به‌طور اجتماعی فراگرفته می‌شوند.
- فهم رفتار فقط برحسب معنایی که کنشگر به آن اسناد می‌دهد، امکان‌پذیر است.
- معناهای موجود در ذهن ما، در نتیجه کنش متقابل با دیگران گسترش می‌یابند و بر مشارکت ما، در کنش متقابل اجتماعی اثر می‌گذارند.
- در خلال کنش متقابل اجتماعی، افراد و جامعه متقابلاً بر هم اثر می‌گذارند. با این حال، جامعه بر افراد تقدم دارد؛ اذهان فردی، محصول جامعه هستند، اما جامعه محصول اذهان فردی نیست.^۲

برخی مفاهیم کلیدی نظریه‌های کنش متقابل نمادین نیز از این قرارند:

- خود: خود، را می‌توان یک فرایند رفتار در نظر گرفت که طی آن، افراد سلوک خودشان را تعیین و کنترل می‌کنند. این مفهوم مستلزم یک فرد است که مجموعه‌ای از نقش‌ها را برای خودش می‌سازد و به ارزش‌گذاری نقش‌های خاصی برای دیگران می‌پردازد. برای مثال، ممکن است نقش پدری یا مادری برای تلقی یک شخص از خودش جنبه محوری داشته باشد، اما شخص دیگری در همین نقش آن را نسبت به نقش‌های دیگر، فرعی تلقی کند. می‌توان پیش‌بینی کرد که این دو فرد به‌گونه‌ای متفاوت در فعالیت‌های والدگری مشارکت خواهند کرد.^۳

1. Braithwaite & Baxter, (eds.), *Engaging Theories in Family Communication*, pp.232, 233.

2. Chibucos & Leite, *Readings in Family Theory*, p.237, 238.

3. Ibid, p.239.

- **خودپنداره:** فهم از خود یا خودپنداره^۱ که از کنش متقابل اجتماعی نشأت می‌گیرد، تجربه ما را از کنش‌های متقابل اجتماعی و تفسیرمان را از اینکه چگونه در خلال آن تعامل‌ها از سوی دیگران درک می‌شویم، منعکس می‌کند. این مفهوم دربردارنده این نکته است که نوعی آگاهی و حساسیت نسبت به ادراکات اطرافیان در افراد شکل می‌گیرد. خودپنداره دارای ساخت اجتماعی، پس از شکل‌گیری، انگیزه‌ای برای رفتار فراهم می‌کند.

- **هویت‌ها:** افراد، مشارکت خود در نقش‌های اجتماعی را به هویت‌ها یا معانی خود^۲ ارتباط می‌دهند. هویت‌ها برحسب اهمیتی که برای فرد دارند، به‌طور سلسله‌مراتبی سازمان‌دهی می‌شوند. هرچه نقش‌ها مهم‌تر باشند، بیشتر مورد استناد افراد قرار می‌گیرند و ممکن است تعهد قوی‌تر افراد نسبت به آن نقش‌های خاص را به نمایش بگذارند.

- **کنش متقابل:** برحسب نظریه‌های کنش متقابل نمادین، کنش متقابل، محتوای مواجهه‌های اجتماعی نیست، بلکه سطوح معانی موجود در آن مواجهه‌هاست. برای مثال، ممکن است یک زن و شوهر عادت داشته باشند در پایان هر مکالمه تلفنی، جمله «دوستت دارم» را به یکدیگر بگویند، اما این جمله برای یکی از آن دو حاوی معنایی عمیق و برای دیگری صرفاً یک سخن طوطی‌وار باشد.

- **نقش‌ها:** نقش‌ها، به عنوان هنجارهای مشترکی تعریف می‌شوند که در مورد احرازکنندگان موقعیت‌های اجتماعی به کار می‌روند. این هنجارهای مشترک به صورت نظام‌های معانی درمی‌آیند که به افراد اجازه می‌دهند چگونگی کنش و واکنش دیگران را پیش‌بینی کنند. این هنجارها همچنین به تعریف رفتارهایی که مردم باید در نقش‌های اجتماعی انجام دهند، کمک می‌کنند.^۳

این مفاهیم و مفاهیم مرتبط دیگری مانند اجتماعی شدن، خود آیین‌سان، نقش‌پذیری، گروه نخستین، گروه مرجع، دیگران مهم و ارتباط نمادین که در کانون نظریه‌های کنش متقابل نمادین قرار دارند، غالباً بر خانواده و روابط خانوادگی قابل تطبیق‌اند و از این رو، ابزارهایی نیرومند برای نظریه‌پردازی و پژوهش در این حوزه مطالعاتی فراهم کرده‌اند. برای نمونه، می‌توان به مفهوم «تعارض نقش» اشاره کرد که برخی محققان با استفاده از آن به بررسی فرضیه‌هایی از این دست پرداخته‌اند که هرچه تعارض‌های نقش در زندگی زناشویی بیشتر باشد و افراد اهمیت بیشتری به

1. sense of self

2. self-meanings

3. Ibid, p.238.

این تعارض‌ها بدهند، میزان رضایتمندی از زناشویی کاهش خواهد یافت و وجود برخی ویژگی‌های جبران‌کننده، مانند دینداری و ارضای جنسی، اثر منفی تعارض نقش در دیگر حوزه‌های زندگی زناشویی را کاهش می‌دهد.^۱

۱-۵. نظریه دوره زندگی خانوادگی

نظریه دوره زندگی خانوادگی^۲ که از به هم پیوستن چند جریان فکری به وجود آمده، از مطالعه موردی توماس^۳ و زنانیکی^۴ با عنوان دهقان لهستانی در اروپا و آمریکا و نیز کتاب کارل مانهایم^۵ با عنوان مسئله نسل‌ها سرچشمه گرفته است. این نظریه به تبیین دو دسته از تغییرات در خانواده‌ها (نه افراد)^۶ در طول زمان می‌پردازد: تغییرات حاصل از چرخش دوره‌های زندگی، مانند تولد فرزند، ازدواج، بچه‌دار شدن، نوه‌دار شدن و مرگ، و تغییرات حاصل از رخداد‌های کلان در برخی مقاطع تاریخی مانند جنگ و رکود اقتصادی ملی.^۷ نظریه دوره زندگی خانوادگی با تبیین چگونگی خلق اجتماعی و درک اجتماعی مرحله‌بندی‌های سنی و چگونگی همگانی شدن آنها بر این مطلب تأکید دارد که تغییرات در طول زمان می‌توانند در ابعادی چندجانبه رخ دهند.^۸

در توضیح درونمایه‌های نظریه دوره زندگی خانوادگی به چهار محور اشاره شده است:

- تأثیر متقابل زندگی انسانی با مکان‌ها و زمان‌های تاریخی در حال تغییر. این محور ناظر به محیط‌های طبیعی و جغرافیایی و نیز دوره‌های تاریخی است که افراد در آنها زندگی، تعامل و رشد می‌کنند. توسعه خانوادگی تحت تأثیر رخداد‌های نزدیک درون خانواده و نیز بسیاری از رویدادهای تاریخی قرار دارد. این نظریه اهمیت زیادی برای زمان‌بندی این امور قائل است.
- عاملیت انسانی در تصمیم‌گیری و محدودیت‌های اجتماعی. این محور به تأثیر گزینش‌ها و تجربه‌های فردی بر گزینش‌ها و تجربه‌های آینده خانواده‌ها مربوط است (مثلاً تأثیر اشتغال همسر یا تصمیم فرزند نوجوان به ادامه یا ترک تحصیل بر خانواده).

1. Burr, *Theory Construction and the Sociology of the Family*, pp.45, 50, 51.

2. family life course theory

3. Thomas, W.

4. Znaniecki, F.

5. Mannheim, K.

۶. نظریه رشد در طول زندگی (life-span developmental theory) نظریه‌ای است که به تبیین رشد و تحول افراد در طول زمان می‌پردازد و بدین لحاظ، بیشتر خصلت روان‌شناختی دارد.

7. Chibucos & Leite, *Readings in Family Theory*, pp.11, 12.

8. Ibid, p.16.

- **زمان‌بندی زندگی‌ها.** این محور به زمان‌بندی اجتماعی رویدادها در رابطه با انتظاراتهای هنجاری اشاره دارد (مثلاً در یک جامعه خاص، زمان مناسبی برای ازدواج یا حاملگی وجود دارد).
- **زندگی‌های به هم پیوسته یا مستقل.** این محور نیز به تأثیر مستقیم و بی‌واسطهٔ بخت و اقبال هر عضوی از خانواده بر دیگر اعضای خانوادهٔ هسته‌ای یا گسترده مربوط می‌شود (مثلاً، تأثیر بیماری خطرناک یک کودک بر دیگر اعضای نزدیک یا دور خانواده).^۱

دو مفهوم کلیدی نظریهٔ دورهٔ زندگی خانوادگی عبارت‌اند از:

- **گذرگاه‌ها:** مفهوم گذرگاه‌ها^۲ به رخداد‌های کوتاهی اشاره دارد که حرکت زمانی از یک حالت به حالتی دیگر را مشخص می‌کند، مانند نخستین ارتباط جنسی و تعهد شخص به یک رابطهٔ تک‌همسرانه.

- **مسیرها:** مسیرها^۳ مقیاس‌های پیچیده‌تری هستند که فرایندهای بلندمدت و الگوهای وسیع‌تر رویدادها در تجربهٔ فرد در حوزه‌های خاص زندگی در امتداد زمان را اندازه می‌گیرند، مانند تاریخ جنسی و روابط زناشویی فرد.^۴

برحسب نظریهٔ دورهٔ زندگی خانوادگی، در هر جامعه‌ای انتظاراتی فرهنگی وجود دارد که رویدادها و الگوهای را برای گروه‌های سنی مختلف، بهنجار معرفی می‌کند. این انتظارات حول چهار محور اساسی قابل بررسی‌اند:

۱. زمان‌بندی یا زمان‌هایی که گذرگاه‌های زندگی در آنها واقع است؛

۲. توالی یا نظمی که حوادث طبق آن روی می‌دهند؛

۳. تداوم یا مدت‌زمانی که رویدادهای زندگی ادامه می‌یابند؛

۴. شیوع یا شمار اشخاصی که این گذارها را تجربه می‌کنند.^۵

۱-۶. نظریهٔ نظام‌های خانوادگی

نظریهٔ نظام‌های خانوادگی^۶ که در دههٔ ۱۹۵۰م از سوی موری بوئن^۷ ساخته و پرداخته شد، به پیروی از نظریهٔ عمومی نظام‌ها یا سیستم‌ها، نظام خانوادگی را مجموعه‌ای به هم پیوسته از

1. Ibid, pp.12, 13.

2. transitions

3. trajectories

4. Ibid, p.16.

5. Ibid, p.16.

6. family systems theory

7. Bowen, M.

عناصری تلقی می‌کند که به وسیلهٔ مرزی احاطه شده‌اند و ویژگی‌های مشترکی را به نمایش می‌گذارند. این نظریه عمدتاً به دو جنبهٔ کلیدی در خانواده‌ها توجه دارد: عناصر سازندهٔ آنها و فرایندهای موجود در خانواده‌ها و نیز بین خانواده‌ها و محیطشان.^۱

برخی مفروضات اساسی نظریهٔ نظام‌های خانوادگی از این قرارند:

- نظام خانوادگی را نمی‌توان به حاصل جمع اجزای آن تقلیل داد؛ خانوادهٔ برآمده از کنش متقابل اعضای آن، ویژگی‌های خاص خودش را داراست؛ الگوهای کنش متقابل، ارتباط عاطفی و ابزاری و نیز کارکردها همگی در تعریف نظام خانوادگی دخیل‌اند. بنابراین، نظریهٔ نظام‌های خانوادگی هم به ساختار خانواده‌ها و هم به الگوهای کنش متقابل که درون خانواده‌ها و بین آنها و محیطشان وجود دارد، می‌پردازد.^۲

- وظایف خانواده در درون خُرده‌نظام‌های مرزبندی‌شده، انجام می‌گیرد.^۳

- اعضای خانواده و نقش‌هایی که ایفا می‌کنند، اجزای نظام‌های خانوادگی تلقی می‌شوند. درجاتی از وابستگی متقابل عاطفی و ابزاری، اعضای خانواده را به یکدیگر پیوند می‌دهند. از نتایج این وابستگی متقابل در نظام خانوادگی آن است که وقوع تغییر در یک عضو بر دیگر اعضا اثر می‌گذارد.^۴

- نظام‌های خانوادگی معمولاً در واکنش به اطلاعات به‌دست‌آمده از بیرون یا درون خانواده، خود را سازمان‌دهی مجدد می‌کنند و با الگوهای جدید کنش متقابل انطباق می‌یابند. به این ترتیب، نظام خانوادگی گرایشی به تغییر ساختار اصلی یا کارکردهایش در طول زمان را منعکس می‌کند.^۵

برخی مفاهیم کلیدی نظریهٔ نظام‌های خانوادگی از این قرارند:

- **ورودی‌ها/ خروجی‌ها:** ورودی‌ها، به اطلاعاتی اشاره دارند که به وسیلهٔ خانواده دریافت می‌شوند و ممکن است بر کارکرد خانواده اثر بگذارند. خروجی‌ها نیز بیانگر شیوهٔ دریافت خانواده از سوی افراد بیرونی و به بیان دیگر، وجه عمومی خانواده هستند.

- **مرزها:** پیرامون هر نظام خانوادگی، مرزی وجود دارد. این مرز، نقطهٔ رویارویی میان خانواده و محیط آن است و به وسیلهٔ کسانی که درون خانواده و بیرون آن هستند، تعریف می‌شود. مرزها تا حدودی انعطاف‌ناپذیرند که این امر، حد مجاز ورود اطلاعات به نظام خانوادگی و خروج

1. Chibucos & Leite, *Readings in Family Theory*, p.279.

2. Ibid, p.280.

3. Ibid, p.294.

4. Ibid, p.279.

5. Ibid, p.295.

اطلاعات از آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وجود مرزهای بسیار انعطاف‌ناپذیر در یک خانواده، گویای آن است که رویدادها و اطلاعات محیطی کمتر بر آن خانواده اثر می‌گذارند و اینکه اعضای آن خانواده از محیطشان منزوی هستند.

– **سلسله‌مراتب نظام‌ها:** در نظام‌های خانوادگی و فراتر از آنها، سلسله‌مراتبی از نظام‌های فرعی یا خرده‌نظام‌ها وجود دارد. خرده‌نظام‌ها الگوهای مناسبات میان اعضای خانواده را منعکس می‌کنند و هر خرده‌نظامی به وسیله مرزی احاطه شده است که واجد درجاتی از نفوذپذیری است. قدرت در نظام‌های خانوادگی نوعاً در دست اعضای خرده‌نظام‌هایی است که در سلسله‌مراتب خرده‌نظام‌ها در خانواده در سطح بالاتر قرار دارند.

– **سازوکارهای بازخوردی:**^۱ زمانی که اعضای خانواده بین اهداف، رفتارها و کارکردهای فردی و خانوادگی، ناسازگاری احساس کنند، ممکن است در جهت دستیابی به سطحی از تعادل در اقدامات تغییری درگیر شوند.

– **هم‌غایتی:**^۲ هم‌غایتی را قابلیت نظام برای دستیابی به یک هدف از راه‌های مختلف تعریف کرده‌اند. نظام‌های خانوادگی گوناگون ممکن است با رویکردها یا از طریق فرایندهای بسیار متفاوت به پیامدهای یکسانی برسند. همچنین یک خانواده ممکن است بر پایه ویژگی‌های خاص خود، بیش از یک رویکرد را برای دستیابی به تغییر به کار گیرد.^۳

۷-۱. نظریه بوم‌شناختی انسانی

نظریه بوم‌شناختی انسانی^۴ که تا حد زیاد در کارهای برون‌برنر^۵ تبلور یافته، از نظریه‌های مرتبط با حوزه‌های گوناگون است که قابلیت کاربرد در رشته‌های جامعه‌شناسی، جغرافی، علوم سیاسی، اقتصاد، و روابط انسانی – محیطی را دارد. این رویکرد نظری، نخست در اواخر قرن نوزدهم میلادی در رشته‌های به‌هم پیوسته‌ای که بعدها با عنوان اقتصاد خانگی شناخته شدند، برای بررسی پاره‌ای از مسائل زندگی خانوادگی به کار گرفته شد و از دهه ۱۹۶۰م، به این سو، شاهد توسعه، تکمیل و گسترش کاربردهای آن، از جمله در مورد خانواده‌ها و رشد فردی هستیم.^۶

1. feedback mechanisms

2. equifinalitys

3. Ibid, pp.279, 280; also cf. Braithwaite & Baxter, (eds.), *Engaging Theories in Family Communication*, pp.312-314.

4. human ecological theory

5. Bronfenbrenner, U.

6. Chibucos & Leite, *Readings in Family Theory*, p.303.

برخی مفروضات اساسی نظریه بوم‌شناختی از این قرارند:

- توسعه و تغییر، حاصل کنش متقابل «شیء» در حال توسعه و زمینه محیطی به معنای وسیع کلمه است. تعبیر «شیء» از آن روی است که این نظریه به افراد اختصاص ندارد و در مورد خانواده‌ها و دیگر هویت‌ها مانند مدارس و محیط‌های کار نیز صدق می‌کند. ویژگی اساسی فرض یادشده، تأکید بر کنش متقابل است؛ یعنی چنین نیست که صرفاً افراد و خانواده‌ها به واسطه تأثیرها و زمینه‌های محیطی شکل بگیرند، بلکه آنها نیز بر آن زمینه‌ها اثر می‌گذارند.

- سطوح متعددی از زمینه‌های محیطی شامل خرده‌سیستم‌ها، میان‌سیستم‌ها، برون‌سیستم‌ها، کلان‌سیستم‌ها و سیستم‌های زمانی وجود دارند که گویا هر یک در دیگری لانه کرده است، مانند عروسک معروف روسی که وقتی شکافته می‌شود، عروسک دیگری مشابه آن و با حجمی کوچک‌تر درون آن ظاهر می‌گردد و هنگامی که عروسک دوم شکافته می‌شود، باز عروسک کوچک‌تری از دل آن خارج می‌شود و همین‌طور تا آخر. هر یک از این سطوح سیستمی یا بوم‌شناختی، به‌طور مستقیم یا از طریق سیستم‌های دیگر بر فرد یا خانواده اثر می‌گذارد.

- افزون بر تأثیر متقابل فرد یا خانواده با عوامل زمینه‌ای در همه سطوح، عوامل سطوح زمینه‌ای نیز در فرایندی از کنش متقابل با یکدیگر قرار دارند.^۱

نظریه بوم‌شناختی انسانی بر مجموعه‌ای از مفاهیم کلیدی شامل موارد ذیل متمرکز است:

- **خرده‌سیستم‌ها:** مقصود از خرده‌سیستم‌ها،^۲ زمینه‌های دربرگیرنده فرد هستند که مستقیماً بر او اثر می‌گذارند (مانند خانواده، گروه همسالان و مدرسه که کودک در درون آنها با والدین، همسالان، معلمان و دیگر بزرگسالان، روابط چهره‌به‌چهره برقرار می‌کند).

- **میان‌سیستم‌ها:** میان‌سیستم‌ها^۳ به پیوندهای میان خرده‌سیستم‌های دربرگیرنده فرد اشاره دارند (مانند رابطه میان مادر و پدر، رابطه میان والدین و معلم و رابطه والدین با همسایگان و پرستار کودک).

- **برون‌سیستم‌ها:** منظور از برون‌سیستم‌ها^۴ زمینه‌ها و روابطی هستند که فرد به‌طور مستقیم در آنها مشارکت ندارد، اما شرکای خرده‌سیستمی او در درون آنها جای می‌گیرند و از این طریق، تأثیری غیر مستقیم بر فرد دارند (مانند رابطه والدین با رئیس و همکارانشان در محیط کار).

1. Ibid, pp.303, 304; Pleck, "Why Could Father Involvement Benefit Children? Theoretical Perspectives", *Applied Development Science*, vol.11, no.4, p.199.

2. microsystems

3. mesosystems

4. exosystems

- کلان سیستم‌ها: کلان سیستم‌ها،^۱ به سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی و نیز ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های فرهنگی وسیع‌تر اشاره دارند که بر سیستم‌های پیشین اثر می‌گذارند و زمینه‌ای کلی برای آنها فراهم می‌کنند (مانند سیاست‌های مربوط به غیبت پدر و مادر یا خشونت خانگی، ایدئولوژی فرهنگی درباره نقش مادر در قبال پدر و پیام‌های جامعه در مورد حمایت شخصی از همشهریان).

- سیستم‌های زمانی: مقصود از سیستم‌های زمانی،^۲ تغییرات تاریخی در سیستم‌های پیشین و نیز تغییرات رشدی در این سیستم‌ها در خلال چرخه زندگی فرد است.^۳

برحسب نظریه بوم‌شناختی انسانی، همه افراد و همه خانواده‌ها در «زمینه‌ها» توسعه می‌یابند، زمینه‌هایی که بر زمینه‌های دیگر اثر می‌گذارند و از آنها اثر می‌پذیرند. برای مثال، تصمیم‌گیری یک خانواده در مورد اینکه آیا به کودک یازده ساله خود اجازه بدهند یا ندهند پس از مدرسه تنها به خانه برگردد، به عوامل زمینه‌ای متعددی در سطوح مختلف، بستگی دارد از جمله ارزیابی والدین درباره میزان بلوغ و رشد فرزند، در دسترس بودن یا نبودن یکی از اعضای بزرگ‌تر خانواده یا بستگان نزدیک، رویکرد حمایت‌گرانه همسایگان، میزان وقوع جرم در محله‌های اطراف و... بستگی دارد.^۴

۸-۱. نظریه اقتصاد خانواده

نظریه اقتصاد خانواده گری بکر^۵ بر پایه اصل انتخاب عاقلانه، تحلیلی اقتصادی از مسائلی همچون تشکیل خانواده، باروری و طلاق ارائه داده و مکانیزم‌های مؤثر در این زمینه مانند مکانیزم تأثیر اشتغال زنان بر طلاق را شرح می‌دهد.

برخی مفروضات اساسی نظریه اقتصاد خانواده از این قرارند:

- افراد همواره در جهت حداکثرسازی سود خود کوشش می‌کنند.

- افراد به حداکثرسازی سود بر پایه اولویت‌هایی اساسی که در طول زمان به سرعت تغییر

1. macrosystems

2. chronosystems

3. Chibucos & Leite, *Readings in Family Theory*, p.304; Pleck, "Why Could Father Involvement Benefit Children? Theoretical Perspectives", *Applied Development Science*, vol.11, no.4, p.199.

4. Chibucos & Leite, *Readings in Family Theory*, p.304.

5. Becker, G. S.

نمی‌یابند، اقدام می‌کنند. البته بکر در آثار خود بر اولویت‌های ثابت^۱ به عنوان یکی از مفروضات اساسی این رویکرد کمتر تأکید کرده است.

- مناسبات افراد، تابع اصل تعادل بازاری^۲ است، به این معنا که رفتار افراد گوناگون، به وسیله بازارهای صریح و ضمنی با هم هماهنگ شده و به تعادل می‌رسد.^۳

- افراد هنگامی ازدواج می‌کنند که سود مورد انتظار از ازدواج بیش از سود مورد انتظار از مجرد ماندن باشد. به همین سان، می‌توان گفت همسران زمانی از یکدیگر جدا می‌شوند که سود مورد انتظار از حفظ رابطه زوجیت، کمتر از سود مورد انتظار از طلاق و ازدواج مجدد احتمالی باشد.^۴ از میان مفاهیم کلیدی نظریه اقتصاد خانواده می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- بازار ازدواج: مفهوم بازار ازدواج^۵ یکی از مفاهیمی است که بکر در تحلیل خود پیرامون ازدواج، آن را صورت‌بندی کرد و نیز مفاهیمی همچون منافع ازدواج و تقسیم تخصصی کار در خانه را برای نخستین بار به کار گرفت. همچنین، او و همکارانش در مقاله‌ای با استفاده از مفاهیم دخل و خرج و منافع مورد انتظار از شریک زندگی و با تأکید بر نقش عدم قطعیت و اطلاعات ناقص، به بررسی موضوع طلاق پرداختند.^۶

- سرمایه خاص زناشویی: افراد متأهل در امور گران‌بهای زیادی همچون خانه، فرزندان، مهارت‌های بازاری و غیر بازاری و اطلاعات، سرمایه‌گذاری می‌کنند. برخی از این سرمایه‌گذاری‌ها، از جمله در لوازم خانگی، خودرو، یا اطلاعات قیمت کالاها برای مصرف‌کننده، در صورت انحلال ازدواج تقریباً به همان ارزش قبلی باقی خواهند ماند. اما سرمایه‌گذاری‌هایی مانند فرزندان، بسیار کم‌ارزش‌تر خواهند بود؛ زیرا یک والد پس از انحلال ازدواج معمولاً تماس بسیار کمتری با فرزندان خود دارد. انطباق جنسی با همسر و مهارت‌های تخصصی بازاری و غیر بازاری که افراد متأهل از آنها نسبتاً بیشتر استفاده می‌کنند، نمونه‌های دیگر این قسم از سرمایه‌گذاری‌ها هستند. بکر از قسم اول با عنوان سرمایه عام^۷ و از قسم دوم با عنوان سرمایه خاص زناشویی^۸ یاد می‌کند. به نظر وی، گردآوری سرمایه عام، تأثیری بر منافع

1. stable preferences

2. market equilibrium

3. Pollak, "Gary Becker's Contributions to Family and Household Economics", p.5.

4. Becker et al., "An Economic Analysis of Marital Instability", *Journal of Political Economy*, vol.85, no.6, p.1142.

5. marriage market

6. Bengtson et al., *Sourcebook of Family Theory & Research*, p.98.

7. general capital

8. marital-specific capital